

# اقسام اسکان‌های اشتراکی در جامعه اسرائیل و نقش آنها در گذار به مرحله دولت

نویسنده: جواد حیران‌نیا\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۹

۱۰۷

## چکیده

در کنار توجه به تحولات سیاسی نظامی رژیم صهیونیستی، ضرورت حیاتی این است که ارکان جامعه‌شناختی و نیز ابعاد غیرسیاسی این رژیم نیز مورد توجه باشد. در مقاله حاضر به سهم تعاونی‌ها در تولید هم‌گرایی و همگن‌سازی جامعه شدیداً متنوع اسرائیل تمرکز شده و نویسنده به این نتیجه رسیده است که تأسیس دولت در سرزمین‌های اشغالی، توأم با تدابیری برای بسیج اجتماعی و جامعه‌پذیری سیاسی بود که نتیجه آن عبارت است از انسجام بخشی به تنوع و جلوگیری از فروپاشی اجتماعی.

کلیدواژگان: کیبوتص، اسکان اشتراکی، دولت‌سازی، بانک فلسطین - انگلیس، موشاو

\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علوم و تحقیقات - پژوهشگر مهمان پژوهشکده مطالعات خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیلی‌شناسی، سال هفدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۲۶ - ۱۰۷.

◆ آمریکاشناسی - اسرائیلی‌شناسی

مهاجرت یهودیان به سوی تشکیلات سیاسی جنبش صهیونیستی و تشکیل دولت یهودی در فلسطین به تحرک مهاجرت یهودیان و خرید و تصرف زمین انجامید. خرید اراضی علاوه بر تقابل سیاسی، باعث تقابل اقتصادی یهودیان و اعراب شد. به دنبال مهاجرت‌های گسترده و خرید و تصرف اراضی، مطابق با اهداف صهیونیست‌ها، ماهیت برنامه‌های صهیونیستی برای اعراب آشکارتر می‌شد. خرید اراضی سبب می‌شد که اقتصاد مبتنی بر کشاورزی اعراب رو به انحطاط رود. ضمن اینکه اعراب را از یک جایگاه دهقانی به جایگاه پرولتاریا تبدیل کرد. ایدئولوژی «کار عبری» نیز عرصه را بر کشاورزان عرب که بر زمین‌های اجاره‌ای کار می‌کردند، تنگ‌تر کرد. همین مسائل سبب مهاجرت اعراب از محل سکونت‌شان می‌شد که متعاقبا ترکیب و بافت جمعیتی اعراب و یهود را به نفع یهودیان تغییر می‌داد. برای پیشبرد اهداف، صهیونیست‌ها به کارگران یهودی بهای فزاینده‌ای می‌دادند. تشکیلات صهیونیستی با کمک‌های مالی، خدمات اجتماعی و تامین اراضی برای مهاجران، کمک زیادی به جنبش کارگری یهود کرد. به گونه‌ای دیالکتیک، جنبش کارگری نیز بیش از یک دوره طولانی بر سیاست‌های صهیونیستی تاثیر تعیین کننده‌ای داشت. تحقق این مسئله را در هویت تجمع‌گرایی (کلکتیویسم) و ایدئولوژی سوسیالیستی حاکم می‌توان مشاهده کرد.

اگر پیدایش تعاون و اسکان‌های اشتراکی در اسرائیل را به مبارزه علیه اجحاف‌های سرمایه‌داری اطلاق نماییم، از علل اصلی غافل مانده‌ایم. در واقع در مورد اسرائیل، پدیده تعاون و اسکان‌های اشتراکی، زاینده یک تسلسل واقعی عوامل تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و حتی مذهبی است.

### اسکان‌های اشتراکی در اسرائیل

در اوایل قرن بیستم، در فلسطین مبارزه‌ای علیه سرمایه‌داری در میان نبود، زیرا که سرمایه‌های شخصی تقریبا وجود نداشتند. به جای تغییر دادن نوع اقتصاد موجود، لازم بود اقتصاد نوینی پی‌ریزی گردد. در چنین شرایطی لزوم حتمی تشکیل تعاونی‌ها و در وهله اول تعاونی‌های تولید احساس شد. شرایط اقلیمی و آب و هوایی، مخالفت اعراب و نبود تجربه کشاورزی در میان «پیشگامان» همکاری همه جانبه را می‌طلبید.

زمانی که ورود مهاجرین به فلسطین حالت انبوه به خود گرفت و به صورت نهضت وسیعی براساس آموزه‌های صهیونیست درآمد، موضوع ازدیاد نفوس به شکلی جلوه‌گر شد که ظرف مدت کوتاهی می‌بایست به چندین برابر افزایش یابد. بنابراین تعاونی‌ها و اسکان‌های اشتراکی بدین منظور شکل گرفتند و ضمن رونق‌بخشی به اقتصاد یهود، توانستند در جایجا نمودن هر چه زودتر مهاجران مؤثر واقع شوند و باعث پیشرفت‌هایی سریع در وضع یهودیان شوند. همکاری در مسائل اقتصادی بر تمام فعالیت‌ها و کوشش‌های اجتماعی یهودیان اثرگذار بود و می‌بایست در ایجاد هماهنگی، نظم و هویت بخشی به آنها مؤثر واقع شود. از همین رو بود که جنبش‌های تعاونی محلی یکی پس از دیگری آغاز و امور تولیدی فلسطین را که بر تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید استوار شده بود، به اختیار خود گرفتند و پا به پای توسعه در شهرها و مناطق روستایی، برنامه‌های توسعه و ترقی اقتصادی را به‌منظور بالا بردن درآمد عمومی و ارتقای قدرت خرید مردم و ترفیه حال یهودیان، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی عهده‌دار شدند. (سالکی، ۱۳۴۲: ۱۰)

هرتزل، بانی صهیونیسم سیاسی، در کتاب خود اندیشه یک جنبش تعاونی را در دولت آینده یهود ابراز نمود. او نوشت: «مثلا من فرمول جالبی دارم. کارگران کارخانه من یک تعاونی تشکیل داده‌اند که روز به روز مستقل تر می‌گردد. ابتدا یک تعاونی مصرف به‌وجود آورده‌اند و بعد یک صندوق بیمه. بدین ترتیب اعضای جدید در مقابل حوادث، امراض، پیری و مرگ بیمه هستند...» (کونویینکی، ۱۳۴۹: ۸۱)

گذار به مرحله دولت و تشکیل دولت و ایجاد سریع نهادها و ساختارهای دولتی را می‌توان نشان از نهادها و ساختارهای توسعه‌یافته و منسجم در دوران یشوف از جمله کیبوتص و موشاو دانست. بسیاری از الگوهای رفتاری و عملکردی از جمله کیبوتص و موشاو اگر چه در دوران پس از دولت با بحران‌هایی حتی در اصول مواجه‌اند ولی هنوز هم با تغییر و تعدیل بعضی از کارکردها، اهمیت خود را حفظ کرده‌اند.

در ادامه به بررسی اهمیت اسکان‌ها و جوامع اشتراکی چون کیبوتص و موشاو در گذار به مرحله دولت اسرائیل پرداخته می‌شود.

## موشاو

### تعریف موشاو

موشاو نوعی آبادی کشاورزی است که انتخاب کنندگان آن خواسته‌اند مطابق اصول اساسی زمین ملی - تعاون - کمک متقابل و کار شخصی زندگانی کنند، بدون اینکه لطمه‌ای به استعداد و ابتکار شخصی در توسعه مزرعه و آزادی اداره خانواده وارد آید. بدین ترتیب خانواده نخستین واحد اجتماع موشاو است. به عبارت دیگر اجتماع موشاو و شرایط اولیه، کم و بیش زندگی متحداالاشکل و معمولی را برای اعضایش فراهم نموده و تمام کوشش خود را به منظور تامین حداقلی برای هر یک از افراد مبذول می‌دارد و هر عضو موشاو بایستی وظایفش را نسبت به ده انجام دهد ولی ابتکار شخص اش تا آنجا که با اصول اساسی و رسوم و قوانین موشاو تطبیق نماید به هیچ وجه محدود نمی‌گردد.

### تاریخچه

تا پیش از تاسیس نخستین موشاو در اسرائیل در سال ۱۹۲۱، دو نوع آبادی کشاورزی در اسرائیل وجود داشت. یکی کیبوتص و دیگر موشاوا (Mochava). کیبوتص یک آبادی براساس اصول تعاونی بود، اما موشاوا نوعی مزرعه‌داریست که پای‌بند به اصول تعاونی نیست. (Ben, 2002: 165)

«موشاوا» سکونت‌گاه‌های اولیه یهودیان است که از نظر ساختار به روستاهای غله‌خیز اروپای شرقی شبیه است. در این سکونت‌گاه‌ها به تقلید از روستاهای عرب‌نشین به هر کشاورز قطعه زمینی جهت کشت محصولی خاص داده می‌شود و بدین ترتیب مالکیت خصوصی بوده و کمتر از سیستم مشاعی استفاده می‌گردد. موشاواها در عمل چندان موفق نبوده‌اند و تنها از طریق حمایت میلیونرهای یهودی توانسته‌اند به حیاتشان استمرار بخشند. با آمدن کیبوتص‌ها تا حدود زیادی حیطه عملکرد این مجامع محدود و منسوخ شده است. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۸)

نوع سوم از الگوهای اقتصادی در اسرائیل، «موشاو» نام دارد. ایجاد موشاواها در اسرائیل تابع همان شرایطی بود که باعث ایجاد کیبوتص‌ها شد. به عبارت دیگر همان موقعیت‌هایی که برای ایجاد کیبوتص و توسعه آن وجود داشت، به‌نحو دیگری در مورد موشاو صدق می‌کند؛ زیرا از زمان تاسیس نخستین کیبوتص موسوم به دگانیا در سال ۱۹۱۱ تا تاسیس اولین موشاو به نام نهلال (Nehalal) ده سال

نمی‌گذشت. موشاو نهلال به صورت موشاو اودیم در سال ۱۹۲۱ تاسیس شد. تاسیس این‌گونه مزارع کشاورزی ریشه در تمایلات مهاجران دوره سوم و چهارم (۱۹۱۹-۱۹۳۱) دارد. این مهاجران از آنجا که عموماً از عناصر پیشتاز و علاقمند به شهرنشینی بودند، با موشاوها و کیبوتص‌ها چندان موافق نبودند. لذا براساس طرحی که در سال ۱۹۱۹ ارایه گردید، کوشش شد ضمن حفظ روحیه حاکم بر دو نوع الگوی قبلی، بتوان خواسته این مهاجران را نیز برآورده ساخت. پیشاهنگان در محلی به نام ده جزرائیل نخستین موشاو را تاسیس کردند. (شاهنده، ۱۳۳۳: ۷-۵۶)

۱۱۱

پیشاهنگانی که پیش از تاسیس دولت اسرائیل و پس از آن به اسرائیل مهاجرت کردند، بدین وسیله می‌خواستند برای عمران و آبادی کشور فعالیت کنند اما محیط کیبوتص‌ها مورد توجه‌شان واقع نشد و اصولاً نمی‌توانستند به ترتیبی که کیبوتص‌ها اداره می‌شده و می‌شوند زندگی کنند و خود را بدان عادت دهند. از سوی دیگر چون بسیاری از قسمت‌های اسرائیل که محتاج به آبادانی بودند و کیبوتص‌ها برای آبادانی آن مناطق، افراد و اعضای نداشتند، ناچار از موشاوها استفاده کردند و اشخاصی که روی اصول انفرادی با تشریک مساعی و تعاون کار خود را بنا نمودند، این خلأ را پر کردند.

## اصول و ویژگی‌های موشاو

ویژگی‌های عمده موشاو عبارتند از:

الف. در موشاو تولید مشترک است و مصرف جدا؛

ب. موشاو بر مالکیت ملی زمین و موروثی بودن اجاره آن استوار است. زمین از طریق «سازمان ملی یهود» اجاره داده می‌شود. پس از تامین زمین، موشاو آن را طوری بین اعضایش تقسیم می‌نماید که قطعات از حیث کمیت و حتی‌المقدور از نظر کیفیت یکسان و مشابه باشد. معمولاً هدف کلی از تقسیم زمین این است که به هر خانواده کشاورز آن مقدار از زمین داده شود که افراد خانواده به تنهایی و بدون احتیاج به کارگر مزدی از عهده رسیدگی آن برآیند.

ج. موشاو براساس کار شخصی در مزارع خانوادگی بنیان نهاده شده است؛

د. در موشاو اصل کمک و مسؤولیت متقابل میان اعضا دیده می‌شود؛

ه. تصمیمات موشاو نیز مانند کیبوتص براساس اکثریت آراء اعضای بالای هجده سال آن گرفته می‌شود؛

◆ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی. اسرائیل‌شناسی. سال هفدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۵

و. موشاوها نیز مانند کیبوتص‌ها تمام محصول و فرآورده‌های خود را برای مصرف اسرائیل و صادرات به‌وسیله تشکیلات تعاونی «تنوا» به بازار عرضه می‌دارند.

## انواع موشاو

موشاو به لحاظ کارکردی به سه نوع تقسیم می‌شود که عبارتند از:  
الف. موشاو اودییم؛ ب. موشاو اولیم؛ و ج. موشاو شیتوفی.

**الف. موشاو اودییم:** این نوع موشاو که نخستین موشاو تاسیسی در اسرائیل و توسط مهاجران آفریقایی و آسیایی ایجاد شده است، نقش مؤثری را در اقتصاد اسرائیل ایفا می‌نماید. این سازمان تعاونی فعالیت خود را براساس توسعه مزارع کشاورزی قرار داده و منظور آن پیشرفت و گسترش نهضت تعاونی در دایره وسیع تولیدات کشاورزی است. البته تفاوت زیادی میان دو سازمان کیبوتصیم و موشاویم وجود دارد. به آن شکل که موضوع تعاون و همکاری در میان افراد کیبوتص در همه مراحل و زمینه‌های مختلف وجود دارد، در سازمان تعاونی موشاو کمتر رعایت شده و به چشم می‌خورد. در کیبوتص کار به صورت کلکتویسم اشتراکی، و در موشاوها کار و زندگی به‌شکل فردی انجام می‌شود. در کیبوتص و موشاو زمین در مالکیت فرد نیست. بدین ترتیب هر عضو از اعضای موشاو مقداری از اراضی مورد نیاز را به مدت نود و شش سال به‌عنوان اجاره در اختیار دارد و کار شخم و کشت را نیز براساس همکاری و تعاون در اموری نظیر توزیع، فروش، اداره یا مدیریت امور موشاو، کمک‌های متقابل را انجام می‌دهند.

**ب. موشاو اولیم:** هم‌زمان با تاسیس اسرائیل نوع ویژه‌ای از سازمان تعاونی تولید موشاو اودییم در اسرائیل ظاهر شد که امکان می‌داد تازه‌واردین یا مهاجران جدید با رغبت بیشتری بدان توافق نموده و در راه توسعه اقتصاد کشاورزی همت گمارند. این نوع سازمان‌های تعاونی به نام موشاو اولیم یا موشاو مهاجرین نامیده می‌شود. پایه این موشاوها در سال ۱۹۵۶ گذارده شد و آن زمانی بود که مهاجرین برای جابه‌جا شدن فوری در موشاوهای تازه به‌سوی اسرائیل سرازیر می‌شدند. در واقع به این می‌مانست که مهاجرین از کشتی یک‌سره به‌سوی این موشاوها روانه شوند. مهاجرین در ۳۰ دهکده مستقر شده بودند. از جمله مهاجرینی که از آفریقای شمالی به اسرائیل کوچ کرده بودند.

مشکلی که موشاو اولیم با آن مواجه بود، خو گرفتن و عادت مهاجرین با زندگی نوینی بود که می‌بایست براساس تعاون و همکاری جریان یابد. بنابراین تازه‌واردین به ویژه مهاجرین پاره‌ای از ممالک آسیایی و افریقایی در واقع فرصتی می‌یافتند که با زندگی تعاونی و اجتماعی تازه‌ای آشنا شده و از نزدیک طرز عمل و نحوه سازمان‌یافتن آن را مشاهده نمایند. زندگی در موشاو و شکل و ساختار اقتصادی و سازمانی آن دور از فهم و خارج از درک آنان بود و چه بسا ایشان را در مواجهه با این حقیقت بیمناک نموده و دچار تردید می‌کرد. رهبران نهضت تعاونی به این نتیجه رسیده بودند که سامان‌دهی اوضاع مهاجران و قرار دادن آن به‌عنوان پیکره و استخوان‌بندی نهضت می‌بایست به‌تدریج انجام پذیرد. پس به‌منظور اجرای صحیح این برنامه لازم بود با توجه به اصول همکاری عمل شود و تازه‌واردین را در شبکه‌های تولیدات و فعالیت‌های کشاورزی، امور توزیعی، و سازمان‌های مصرفی و همچنین پاره‌ای از آنها را در سازمان‌های اداری جابه‌جا نموده و سرانجام همه آنها را در لوای خودیاری و همکاری متحد و متشکل سازد. این نوع موشاو به‌رغم مشکلاتی که داشت، به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای ناآل آمد و میزان تولیدات کشاورزی این موشاوها رو به افزایش نهاد.

**ج. موشاو شیتوفی:** نوع سوم از سازمان‌های تعاونی کشاورزی - موشاو - که در اسرائیل تشکیل گردید و با موفقیت همراه بود و طریق توسعه و تکامل را پیمود، به موشاو شیتوفی معروف است. این نوع موشاو حد فاصل اشتراک شدید کیبوتص و استقلال موجود در موشاو اودیم، و کارش همکاری در زمینه تولید، فروش و خرید بود. اما در امور خانوادگی و مصرف فردی روش مستقلی داشت. (شاهنده، ۱۳۳۳: ۵۷)

تا اواخر سال ۱۹۶۰ بیست مؤسسه کشاورزی به نام موشاو شیتوفی در اسرائیل تشکیل شد که تحت عنوان شرکت‌های تعاونی به ثبت رسیده بود. مجموع جمعیت این موشاوها ۳۹۰۰ نفر بود که از این تعداد ۱۶۰۰ نفرشان در موشاوهای مذکور عضویت داشتند. (سالکی، ۱۳۴۲: ۳۱)

در اواخر سال ۱۹۶۰ تعداد سازمان‌های تعاونی کشاورزی موشاو به ۲۹۵ رسیده بود. این رقم جدا از بیست موشاو شیتوفی بود. از این تعداد سازمان‌های موشاویم، تعداد ۲۱۰ موشاو اولیم که همان موشاو مهاجرین است و ۸۴ موشاو اودیم که عبارت از موشاو کارگران کشاورزی قدیم که سالهاست در اسرائیل زندگی کرده و موشاوهای اودیم را تشکیل داده‌اند. در پایان سال ۱۹۶۰

جمعیت موشاوهای یادشده به ۱۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود و ارزش میزان استحصالات کشاورزی که توسط موشاوهای اولیم و اودیم در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ به‌دست آمد، بالغ بر ۲۰۰ میلیون لیره اسرائیل برآورد شده است. (سالکی، ۱۳۴۲: ۵۷)

### کیبوتص

کیبوتص عبارت است از یک اجتماع داوطلبانه که بر مالکیت، تولید و کار دسته‌جمعی، مصرف و زندگانی مشترک استوار بوده است. به‌عبارت دیگر کیبوتص به اجتماعی از افراد، زمین و سرمایه اطلاق می‌شود که به‌منظور تولید، توزیع و زندگی به‌صورت دسته جمعی تشکیل شده باشد. جامعه کیبوتص مسئول جلب رضایت و تامین احتیاجات افراد است. یعنی از هر فردی طبق قدرت و استطاعت او گرفته به هر فردی به میزان احتیاجاتش می‌دهند، که البته این داد و ستد باید با امکانات جامعه کیبوتص مطابقت داشته باشد. در کیبوتص به هیچ‌یک از افراد حق تملک یا فعالیت فردی و شخصی داده نمی‌شود. این اصل علاوه بر موارد مربوط به امور اقتصادی، شامل همه موارد دیگر از قبیل امور فرهنگی، تعلیم و تربیت و امور اجتماعی نیز می‌شود.

### اصول و ویژگی‌های کیبوتص

شعار محوری کیبوتص، از هر کس به اندازه توانایی‌اش و به هر کس به اندازه نیازش است. کیبوتص به‌عنوان یک سازمان اشتراکی به گونه‌ای متناقض‌نما که هیچ‌کس مالک چیزی نیست و هر کس مالک همه اموال کیبوتص است، دارای ویژگی‌ها و آرمان‌های اساسی و کلی ذیل است:

الف. جامعه کیبوتص یک جامعه داوطلبانه بوده و افراد با رضایت خود به عضویت آن در می‌آیند و داوطلب شرکت در کارهای آن می‌شوند. کیبوتص این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که در رد یا پذیرش عضویت اعضاء مختار باشد.

اگرچه اعضاء در پیوستن به کیبوتص‌ها مختار بودند، ولی ایدئولوژی و گفتمان حاکم که ایدئولوژی احزاب کارگری بود، به‌گونه‌ای بود که در صورت نپیوستن اعضاء به این جوامع از حقوق و مزایای آن محروم می‌ماندند. سازمان جهانی صهیونیست به‌عنوان یک نهاد عالی بر کیبوتص‌ها

سیطره داشت و در واقع ایدئولوژی صهیونیسم که از برخی آموزه‌های ایدئولوژی کارگری و سوسیالیستی برای تحقق اهداف بهره می‌برد، ایدئولوژی مسلط بر جامعه یشوف بود.

ب. تصمیمات کیبوتص بر اساس آرای اعضای آن است و نظر و رای افراد در آن اهمیت دارد و اکثریت آراء به تصمیمات اعتبار و رسمیت می‌دهد. کیبوتص را به‌عنوان یک دموکراسی مستقیم و بی‌واسطه می‌شناسند. در این دموکراسی مجمع عمومی برای تمام اعضا سیاست‌ها را تنظیم و تدوین می‌کند؛ مقامات را انتخاب می‌کند؛ تخصیص بودجه و عضویت افراد جدید را به تصویب می‌رساند. این مجمع صرفاً به فرایند تصمیم‌گیری نمی‌پردازد، بلکه محل مناظره‌ای است برای اعضاء تا بتوانند دیدگاه‌ها و عقاید خود را بیان کنند. (kibbutz.net)

ج. کیبوتص یک سازمان اجتماعی و اشتراکی است که کلیه سرمایه و دارایی آن در مالکیت همه اعضای کیبوتص بود و بنابراین تولید، توزیع و هرگونه خدمات و کارهای اجتماعی در آن به‌صورت جمعی انجام می‌شود. مفهوم مالکیت اشتراکی در کیبوتص، مبتنی بر تعریف کیبوتص به‌عنوان «جامعه‌ای اشتراکی» است. مالکیت اشتراکی، مفهومی جامع است که هم شامل مالکیت وسایل تولید می‌شود و هم مالکیت وسایل مورد نیاز مصرفی و وسایل مورد نیاز برای دیگر فعالیت‌های کیبوتص را در بر می‌گیرد.

مالکیت در اختیار جامعه کیبوتص است و غیرقابل تقسیم به اعضاء است. سهمی در کیبوتص متعلق به کسی وجود ندارد و هیچ‌کس ادعای دارایی کیبوتص را ندارد. مطابق اساسنامه کیبوتص، دارایی کیبوتص قابل تقسیم به اعضاء، چه در زمان حضور در کیبوتص و چه پس از تسویه حساب، نیست.

د. کارها در کیبوتص بر اساس رهنامه وایزمن به دست خود اعضاء انجام می‌شود و استخدام کارگر در این سازمان به‌کلی ملغی گشته است؛ زیرا هر نوع کار و فعالیت تنها از طرف اعضاء همان کیبوتص بایستی به انجام برسد. ریشه این اصل «یعنی انجام امور به دست خود» به‌وسیله ساکنان اولیه یهودی در فلسطین به وجود آمده و با آرزو و امید همان افراد برای بارور ساختن ملیت یهودی آبیاری شده؛ زیرا آنان قصد داشتند نیروی خلاقه ملت یهود را در ایجاد و ازدیاد کارهای جسمی در زمینه‌های کشاورزی، ساختمانی، صنعتی و غیره به‌کار اندازند و در مقابل توجه یهودیان را که عموماً به تجارت و شغل‌های دلالی دوران پراکندگی معطوف شده بود، بازگردانند. (رحیمی، ۱۳۴۳: ۳۲)

علت دیگر در مخالفت با استخدام اشخاص خارجی در کیبوتص‌ها مربوط به روح و اصل موجودیت کیبوتص است. ایمان اعضای کیبوتص به اینکه آنها خود در سازمانی که اساس آن بر پایه عدالت استوار گشته است سهیم بوده و با دست خود این زمین تاریخی را که به زعم خویش از پدران خود به ارث برده‌اند کشت و زرع می‌کنند، مایه دلگرمی و قوام این نوع زندگی می‌گردد. بنابراین چنین ایمانی با ورود کارگرهای استخدامی، حتماً از بین می‌رود؛ زیرا عضو کیبوتص خود را کارفرما احساس خواهد کرد. (رحیمی، ۱۳۴۳: ۳۳)

اما این اصل به تدریج اعتبار خود را از دست داده و کیبوتص برای کمبود نیروی انسانی خارج از حوزه عمل خود کارگر استخدام می‌کند و به جای آنکه کیبوتص به شکلی که برای آنها در نظر گرفته شده بود، باشند، به تدریج به شرکت‌های کشاورزی و صنعتی یا یکی از این دو بدل شده‌اند. لبه تیز دیگر این اصل متوجه کارگران عرب بود. اقتصاد جامعه یشوف پیش و پس از نخستین مهاجرت انبوه، بر معیارهای صرف اقتصادی مبتنی بود. استفاده از کارگر عرب که به لحاظ اقتصادی ارزان‌تر از کارگر یهودی بود نیز توجیه‌پذیر بود. بنابراین مهاجران استعمارگرانی بودند که کارگران ارزان‌قیمت را به کار می‌گرفتند.

موج دوم مهاجرت، شامل پیشاهنگان جوانی می‌شد که گرایش‌های ایدئولوژیک سوسیالیستی با تفسیر صهیونیستی داشتند. این مهاجران به‌شدید با استفاده از کارگر عرب در بخش‌های اقتصادی یشوف از جمله کیبوتص‌ها مخالفت می‌کردند، زیرا از یک سو آنان را در به‌دست‌آوردن شغل با مشکل مواجه می‌کرد و از سوی دیگر استفاده از کارگران عرب، رقابتی در میان کارگران به‌وجود می‌آورد که با اهداف و غایت سوسیالیستی آنان منافات داشت. البته باید توجه داشت که اصل مخالفت و دشمنی با اعراب در میان آنها اولویت اصلی را داشته است. آنان با نهادینه ساختن «کار عبری» و از میان بردن کشاورزی اعراب و تغییر جایگاه اعراب از یک طبقه دهقان به یک طبقه پرولتر، عملاً درصدد تضعیف اعراب برآمدند. آنان در سال ۱۹۰۹ نخستین شهر تمام یهودی (تل‌آویو) و اولین کیبوتص را بنا نهادند تا ایده «یهودی جدید» و «یجاد وطن یهودی» را ملموس‌تر ساختند.

ه. در کیبوتص امور کشاورزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور کلی در کیبوتص کارهای بدی و جسمی ارزش زیادی دارند، به‌خصوص کشاورزی. آرمان‌گرایی در قالب نهضت کیبوتصیم

که تفسیری مطلوب از سوسیالیسم را در خود داشت، به دنبال گسترش و پیشبرد یک ایدئولوژی جهانی نبود، بلکه صهیونیسم در پی ایجاد ساختار و سیستمی برای تحقق اهداف خود بود. هدف بلندمدت صهیونیسم ایجاد یک موجودیت و واحد ملی یهودی در سرزمین فلسطین و ایجاد «یهودی جدید» بود. یهودی جدید به این معنی است که زمان آن رسیده که یهودیان طرحی نو دراندازند و خود کوشش کنند و جامعه خود را بسازند. بنابراین یهودیان به دولتی ملی نیاز دارند تا از نو شروع کنند و در اکثریت قرار بگیرند. کیبوتص‌ها به عنوان یک اسکان روستایی-کشاورزی نقش اساسی در ایجاد اندیشه «یهودی جدید» که با دستان خودش کار می‌کند و بر اساس کار دست خود ارتزاق می‌کند و متعاقباً منجر به ایجاد یک موجودیت یهودی در سرزمین فلسطین می‌شود، داشته است.

آرون دیوید گوردون که از متفکران حزب کارگر جوان<sup>۱</sup> است و از او به عنوان «پیام‌آور فلسفه نهضت اجتماعات اشتراکی» در اسرائیل یاد می‌شود، می‌گوید: «کار جسمانی شفا دهنده ما است و ما از آن دور مانده‌ایم. کار جسمانی باید کانون توقعات ما بوده و کلیه آرزوهایمان را در اطرافش بنا سازیم. کار جسمانی باید آرمان ما باشد. با بیدار شدن آرمان کار جسمانی در ما، خواهیم توانست جراحات خود را التیام بخشیم.» (کونوپینکی، ۱۳۴۹، ۶۸)

کار بر روی زمین ارزش حیاتی برای سازمان صهیونیست داشته است. کشاورزی به عنوان یک وسیله اساسی برای رسیدن به ایده‌آل‌های اصلی صهیونیسم قلمداد می‌شود. این ایده‌آل به زعم صهیونیسم بازگشت ملت یهود به سرزمین‌شان و آزادسازی زمین‌های آباء و اجدادیشان بود. به همین سبب کشاورزی اولویت اصلی و مهم آژانس یهود پیش از ایجاد دولت بود که این اهمیت پس از تاسیس دولت نیز حفظ شده است. کشاورزی به عنوان وسیله و ابزاری جهت نیل به ارزش‌های متعدد اجتماعی و ایدئولوژیکی و نیل به اهداف متعدد ملی، مرجح بوده است.

آغاز کشاورزی در اسرائیل به صورت جدی و آن‌گونه که بر اساس طرح صهیونیست‌ها بود، به زمان

۱. از احزاب سوسیالیست که متعاقب مهاجرت (آلیا) دوم به وجود آمد. این حزب می‌کوشید مبارزه اجتماعی را با مبارزه برای تجدید حیات اسرائیل مخلوط نسازد.

نخستین مهاجرت (آلیا) برمی‌گردد. در آن زمان، بارون روتشیلد به صورت گسترده‌ای روی درختان بادام و انگور سرمایه‌گذاری کرد و بخش اعظم سرمایه‌گذاری یهودیان بر روی باغ‌های مرکبات صرف شد، اما در حقیقت تاریخ رسمی فعالیت کشاورزی در اسرائیل به زمانی بازمی‌گردد که اسکان‌های کشاورزی از جمله کیبوتص به کشاورزی و زراعت پرداختند. به عبارت دیگر تأکید اصلی بر کشاورزی توسط جنبش‌های سوسیالیست عمدتاً توسط کیبوتص‌ها و موشاوها صورت گرفت.

پس از آلیای دوم یک اتحاد میان کارگران و سازمان‌های صهیونیستی شکل گرفت. این اشتراک مساعی و همکاری میان پیشاهنگانی که خواهان زمین برای امرار معاش و در مراحل بعد پاسخ به انگیزه‌های ایدئولوژیک بودند، و سازمان‌های صهیونیستی که زمین در اختیار داشتند به‌طور طبیعی شکل می‌گرفت. از این‌رو گسترش بخش کشاورزی در جامعه یهود فزونی گرفت. باغ‌های مرکبات از ۱۱۵۰۰ دونم (Danams)<sup>۱</sup> در سال ۱۹۲۵ به ۴۶۰۰۰ دونم در سال ۱۹۲۹ فزونی یافت. (Aharoni, 1991: 207)

در واقع تاکنون بخش بزرگ فعالیت‌های کشاورزی در اسرائیل توسط کارگرانی که در سه نوع متفاوت اسکان‌های یادشده ساکن هستند صورت می‌گیرد. تولیدات کشاورزی در این سه بخش بیشتر تولیدات کشاورزی در اسرائیل را در برمی‌گیرد. به‌عنوان مثال ارزش تولیدات کشاورزی در ۶۴۸ واحد اعم از کیبوتص‌ها، موشاوها و موشاوهای اشتراکی در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، ۸۸ درصد از کل تولیدات کشاورزی بوده است. این رقم در سال ۱۹۳۶، ۴۵ درصد بوده است. (Aharoni, 1991: 199)

با وجود اینکه کشاورزی کار اساسی کیبوتص را تشکیل می‌دهد، اغلب کیبوتص‌ها می‌کوشند با ایجاد سازمان‌های صنعتی و فروش مازاد محصول، بر میزان درآمد خود بیفزایند. گرایش کیبوتص‌ها به بخش صنعت را می‌توان به پاسخ‌گو نبودن بخش کشاورزی در اقتصاد کیبوتص مربوط دانست. ترکیب کشاورزی و صنعت در کیبوتص سبب شده تا محصولات به قیمت ارزان‌تری در دسترس کیبوتص قرار گیرد و کیبوتص مجبور نخواهد بود سود و استفاده کالا و واسطه‌های فروش را که در بازارهای خارج از آن به قیمت جنس اضافه می‌شود، بپردازد.

طبق آماري که در سال ۱۹۵۹ تهیه شده، کیبوتص‌ها در حدود ۱۵۰ کارخانه بزرگ و متوسط

۱. هر دونم معادل یک دهم هکتار است.

ایجاد کرده‌اند و این تعداد از کارگاه‌های کوچک دیگر مستثنی است. تعداد افرادی که در این کارخانجات به کار مشغول بوده‌اند بالغ بر ده‌هزار نفر بوده که هفت درصد کلیه کارگران صنعتی اسرائیل را تشکیل می‌داده است. (رحیمی، ۱۳۴۳: ۶۳)

مهم‌ترین مشکلاتی که کشاورزی کیبوتص، به ویژه در دهه ۸۰ میلادی که کیبوتص‌ها با بحران جدی مواجه شدند، با آن روبه‌رو است را می‌توان به برنامه‌ریزی ناکارآمد، اشباع ظرفیت جذب در بازار محلی و مشکلات ناشی از صادرات برشمرد. (Aharoni, 1991: 208; Krausz, 1983: 371-84)

۱۱۹ | و. کیبوتص‌ها عموماً با احزاب سیاسی رابطه مستقیمی دارند. در حقیقت کیبوتص‌ها از اصول احزاب سیاسی مربوطه طرفداری می‌کنند، به طوری که می‌توان ادعا کرد کل همه اعضای یک کیبوتص اگر اعضای یک گروه سیاسی خاصی نباشند، لاقلاً از طرفداران آن به شمار می‌روند. در آغاز همه کیبوتص‌ها به تنها حزب کارگری اسرائیل به نام «مپای» وابسته بودند، اما در سال ۱۹۵۱ که حزب کارگری «مپای» به سه حزب «مپای»، «مپام» و «احدوت هاعوودا» تقسیم شد، کیبوتص‌ها نیز هر یک بنا به دلایلی که داشتند به یکی از سه حزب وابسته شدند. کیبوتص‌ها در پارلمان اسرائیل (کنست) نماینده دارند و درون کابینه دولتی، حوزه رؤسای هیستادروت (اتحادیه عمومی کارگران) و دیگر ارگان‌های رسمی و نیمه‌رسمی و مهم‌تر از همه به داخل نیروهای دفاعی اسرائیل راه یافتند. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۸)

### چالش‌های پیش روی کیبوتص

متعاقب تغییر نسل‌ها در جامعه اسرائیل، مواجهه کیبوتص‌ها با چالش‌ها امری طبیعی و منطقی است. اگر نسل حاضر در کیبوتص را مورد بررسی قرار دهیم و آمال و اهداف نسل مؤسس را در نظر داشته باشیم، این مدعا را بهتر می‌توان به اثبات رساند. امروزه کیبوتص‌ها سه نسل متمایز را در خود جای داده‌اند که در آمال و اهداف، متفاوت از یکدیگرند. نسل اول، نسل مؤسس و پیشاهنگانی بوده و هستند که از ایدئولوژی متفاوتی برخوردار هستند. این نسل یک جامعه با شیوه‌های اشتراکی برای زندگی ایجاد کرده است. آرزوی آنان یک جامعه عادلانه مبتنی بر برابری و عدالت اجتماعی بوده است. این نسل دو اعتقاد بنیادی داشت: الف. تشریک مساعی مبتنی بر

«احساسات برادری» که به‌زعم آنها می‌تواند شالوده اصلی برای روابط اجتماعی قلمداد شود. ب. توجه به نیازهای کشور، جنبش و اجتماع. آنها برای «خود» زندگی نمی‌کردند و نزد آنان گروه و جامعه‌ای که به آن تعلق داشتند، اولویت نخست را داشته است. (Aharoni, 1991: 149)

نسل دوم، نسل فرزندان نسل مؤسس هستند که در چارچوب کیبوتص و شرایط خاص زمانی و مکانی آن تربیت شده و سبب انسجام کیبوتص‌ها گشته‌اند. و سرانجام نسل حاضر که در یک جامعه پیشرفته و استقرار یافته رشد کرده است و انرژی و استعداد خود را صرف مواجه با چالش‌های ناشی از زندگی مدرن در عصر تکنولوژیک می‌کند. (kibbutz.net)

افزون بر تغییر نسل‌ها، تغییرات جوامع باعث ایجاد بحران‌هایی در کیبوتص‌ها گردیده است. به دنبال چندین بحران اقتصادی در دهه ۱۹۸۰ و آغاز تغییرات نهادی دور از دسترس در کیبوتص‌ها، آینده کیبوتص‌ها به‌عنوان شکلی منحصر به فرد از زندگی، در هاله‌ای از ابهام فر رفته است. (Leviatan, Oliver & Quarter, 1998)

مارتین بوهر جوامع کیبوتص‌ها را از زمان خود (پنجاه سال پیش) یک جامعه ویژه و موفق برمی‌شمرد و از آن به‌عنوان یک «شکست ناخورده منحصر به فرد» یاد می‌کند. او این دیدگاه را در مقایسه با سایر جوامع اشتراکی در سایر نقاط جهان که عمدتاً با شکست مواجه شدند، بیان می‌کند. اما برخلاف نظر بوهر، برخی از محققان معتقدند شرایطی که در گذشته وجود داشته تا این جامعه شکست ناخورده - به تعبیر بوهر - موفق عمل کند، در حال حاضر وجود ندارد. «ی. دان» معتقد است که در گذشته جهت‌گیری‌ها و تمایلات نوع دوستانه میان اعضای کیبوتص عامل اصلی در موفقیت کیبوتص بوده و فقدان آن عامل و دلیل اصلی تضعیف اقتصاد کیبوتص از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی است. (Dan, 1996, 17-26)

فرانس اوپنهاایمر، اقتصاددان معروف، اضمحلال حتمی و قریب الوقوع کیبوتص‌ها را پیش‌بینی کرده است. او این پیش‌بینی را در سال ۱۹۲۶ انجام داد. (Rosner) «اچ. برکی» (H. Barkai) این پیش‌بینی را نادرست می‌داند. او موفقیت اقتصادی کیبوتص‌ها، البته تا دهه ۱۹۸۰ که آغاز بحران‌های جدی برای کیبوتص است، را به‌وسیله دو عامل توضیح می‌دهد. اولین عامل شرایط خاص دوران مربوط به پیشاهنگان و نقش اساسی و محوری کیبوتص‌ها در طول این دوران است. عامل دوم این واقعیت است

که عضویت در کیبوتص‌ها اختیاری است و اعضای کیبوتص، اقلیتی خودمنتخب (self-selected) هستند که ویژگی‌های رفتاری آنان متفاوت از اکثریت جامعه اسرائیل است. (Rosner) در استدلال اوپنهایم حداقل تا آغاز بحران‌های اقتصادی دهه ۸۰ عامل زمان و شرایط اجتماعی و تاریخی اسرائیل نادیده گرفته شده است.

آن‌گونه که اشاره شد اقتصاد کیبوتص یک اقتصاد کارگری است و اهمیت نقش کار دستی و ارج‌گذاری به کارگران را از اصول جدایی‌ناپذیر کیبوتص برشمردیم. بحران اقتصادی دهه ۱۹۸۰ از یک سو حاصل پایان اقتدار حکومت حزب کارگر و افرادی که خود پرورش‌یافتگان جوامع اشتراکی بودند به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر عدول از اصول اساسی تعاون توسط اکثریت اعضای سازمان‌های تعاونی و اشتراکی قلمداد می‌شود. بنابراین کیبوتص‌ها با بحران‌های اقتصادی و جلوگیری از خروج اعضا و ترغیب جذب اعضای جدید خود را ناگزیر به تجدید نظر در اصول و مبانی تشکیل‌دهنده کیبوتص یافته‌اند. (Rosolio, 1994: 63-78) این تجدیدنظر را در واقع می‌توان انقلاب و تغییر رادیکال در اصول و بنیان‌های کیبوتص دانست تا آنجا که اطلاق نام کیبوتص به جوامع جدید فقط نامی از کیبوتص‌های گذشته را همراه خود خواهد داشت.

کیبوتص‌ها از اواخر دهه ۱۹۸۰ فرایندی از تغییر و تحول را آغاز کردند تا بتوانند بر مشکلات و بحران‌های پیش آمده غلبه کنند. به طور کلی می‌توان دو مرحله در این فرایند شناسایی کرد. مرحله اول را می‌توان گذار به کیبوتص جدید نام نهاد. در این مرحله شاهد تحول در اقتصاد کیبوتص هستیم. در واقع کیبوتص از یک اقتصاد اشتراکی-اجتماعی، اصول و سازوکارهایی از اقتصاد بازار را وارد جامعه خود می‌کند و در پی آن، اصل سلسله مراتب جایگزین اصل برابری در کیبوتص‌ها خواهد شد. (Rosner & Gets, 1994: 41-62) طرفداران این تغییرات معتقدند که کیبوتص‌ها با اتخاذ چنین روش‌هایی قادر خواهند بود کارایی اقتصادی و استقلال اعضای کیبوتص را افزایش دهند و ضمن فائق آمدن بر مهاجرت معکوس اعضای کیبوتص به خارج از آن، توان جذب اعضای جدید را پیدا کنند. برای عملی کردن این مرحله، کیبوتص‌ها سه اقدام را انجام داده‌اند. (Rosner) اولین حوزه، خصوصی‌سازی به صورت جزئی است که در آن به جای تقاضای مستقیم کالا و خدمات از سوی اعضا (آن‌گونه که در گذشته بود)، بودجه‌ای به اعضا جهت خرید

کالا از داخل کیبوتص یا خارج آن تخصیص داده می‌شود. تقریباً در تمام جوامع کیبوتص‌ها، بودجه مالی جایگزین تقاضای مستقیم کالا و خدمات شده است. (Rosner)

دومین حوزه، سیستم شبه بازاری است که کیبوتص‌ها به آن روی آورده‌اند. در این سیستم اعضاء در انتخاب نوع و محل کار آزاد هستند. (Rosner) بدین ترتیب مدیران شاخه‌های مختلف اقتصادی کیبوتص در انتخاب و استخدام افراد آزاد هستند و سیستم دستمزدهای برابر جایش را به دستمزدهای متفاوت خواهد داد که با اصل برابری در کیبوتص مغایرت دارد. همچنین آزادی در انتخاب محل کار سبب شده که بسیاری از اعضای کیبوتص خواهان کار در خارج از کیبوتص باشند و بدین وسیله استفاده از کارگران مزدبگیر در بیشتر بخش‌های اقتصادی رو به فزونی است به طوری که در سال ۱۹۹۰ در صنایع کیبوتص ۲۹ درصد کارگران خارج از کیبوتص بوده‌اند و این آمار به ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است. (Rosner) این امر نیز با اصل خود اکتایی کیبوتص در استفاده از کارگر خارجی (خارج از کیبوتص) مغایرت دارد. حوزه سوم، جدایی و رهایی سازمان‌های اقتصادی کیبوتص از محدودیت‌هایی است که به واسطه ارزش‌های کیبوتص و ملاحظات اجتماعی (سوسیالیستی) ایجاد می‌شوند. (Rosner, 1993) کیبوتص‌ها با این کار درصدد گشودن بخش‌های اقتصادی بر روی نیروی کار و جذب سرمایه خصوصی هستند. این مساله نیز سبب ایجاد ساختاری سلسله‌مراتبی در کیبوتص می‌شود و آنچه که کیبوتص بدان می‌بالید و اصل برابری و نبود طبقه می‌نامید را با چالش مواجه ساخته است. بدین ترتیب کیبوتص‌ها به سوی استخدام کارگر مزدبگیر، ایجاد هیئت مدیره و کاهش مشارکت اعضا در فرایند تصمیم‌گیری متمرکز حرکت کرده‌اند و حدود یک‌سوم کیبوتص‌ها این اقدامات را عملی ساخته‌اند.

مرحله دوم را می‌توان انتخاب از میان بدیل‌های گوناگون دانست که کیبوتص‌ها به سبب برخی تغییر و تحولات با آن مواجه هستند. در این مرحله کیبوتص با مشکل آشتی برقرار کردن بین اصول اشتراکی و اصول متضاد بازار و سلسله‌مراتب دست به گریبان است. (Rosner, 1993) کیبوتص‌ها بدین منظور اقدام به «سازماندهی مجدد» کرده‌اند. در این سازماندهی مجدد، مجبور خواهند بود که برخی اصول و مبانی اشتراکی و منحصر به فرد خود را تعدیل کنند. به‌عنوان مثال برخی کیبوتص‌ها به الغای «خانواده اشتراکی» (communal household) مبادرت ورزیده‌اند. این

کیبوتص‌ها به خصوصی‌سازی این خانواده و الغای مسئولیت‌پذیری متقابل رو آورده‌اند. آنها بر اساس نیازهای فردی و تعداد اعضای خانواده، بودجه تخصیص می‌دهند. این تخصیص بودجه سبب شده که سیستم خانواده اشتراکی در کیبوتص جای خود را به استقلال اقتصادی خانواده بدهد. در چارچوب سیستم قدیمی کیبوتص، منابع مالی در مالکیت شخص نبوده و در واقع منابع مالی اشتراکی بود. در سیستم جدید برخی کیبوتص‌ها بر اساس نیاز افراد در برخی زمینه‌ها بودجه مالی به افراد تخصیص می‌دهند. در چارچوب سیستم پیشین، توزیع منابع مالی بر اساس نیازها مبتنی بر تفاوت‌های فردی صورت می‌گرفت و در چارچوب جدید، توزیع بر اساس تفاوت‌ها مبتنی بر تفاوت سن، تعداد اعضای خانواده و غیره صورت می‌گیرد.

یکی دیگر از حوزه‌هایی که کیبوتص‌ها به تعدیل اصول خود مبادرت ورزیده‌اند، دادن دستمزدهای متفاوت به کارگران است. سیستم کارگری اشتراکی بدون دستمزد جایش را به سیستم کارگرهای دستمزدی به کار گرفته شده از خارج کیبوتص داده است. البته تعداد کیبوتص‌هایی که چنین سیستمی را به اجرا در آورده‌اند، اندک بوده و از مجموع ۲۷۰ کیبوتص در سال ۱۹۹۷ فقط هفت کیبوتص آن را به مرحله عمل در آورده‌اند. (Rosner) الغای مالکیت اشتراکی از دیگر حوزه‌هایی است که کیبوتص‌ها آن را اعمال کرده‌اند. ویژگی منحصر به فرد مالکیت کیبوتص، به صورت «اشتراکی و اجتماعی» تعریف می‌شد.

بنابراین درمی‌یابیم که کیبوتص‌هایی که فرایند اشتراک‌زدایی (de-communalisation) را آغاز کرده‌اند، در حقیقت از تعریف کیبوتص - آن‌گونه که در اساسنامه آن آمده - عدول کرده‌اند. کیبوتص‌هایی که چنین فرایندی را آغاز و دنبال می‌کنند باید وظایف و تعاریف قانونی‌شان را باز تعریف کنند. (Levi, 1996: 47-67) آن‌گونه که اشاره شد بیشتر اعضای کیبوتص مبادرت به کار در خارج از کیبوتص کرده‌اند و بسیاری از کارگران داخل کیبوتص، کارگران مزدبگیری هستند که خارج از کیبوتص آمده‌اند. در بلندمدت محتمل است که خصوصی‌سازی مؤسسات و شرکت‌های اقتصادی از جانب کیبوتص‌ها به اجرا گذاشته شود که در این صورت این کیبوتص‌ها معمولاً به جوامع روستایی مبدل می‌شوند.

کیبوتص‌هایی هم که مبادرت به تعدیل اصول و بنیان‌های اساسی خود کرده‌اند و درصدد

سازماندهی مجدد اصول اساسی کیبوتص هستند با دو مشکل اساسی مواجه‌اند که باید بتوانند آن را حل کنند. مشکل اول، چگونگی تامین و تضمین آینده اقتصادی‌شان است. مشکل دوم، چگونگی حفظ و گسترش آرمان‌ها و اصل نوع‌دوستی که از عناصر اصلی و سازنده ایدئولوژی کیبوتصیم و چگونگی تقویت و تحکیم ارزش‌های اساسی کیبوتص نزد اعضای کیبوتص است.

مشکل اول از آنجا ناشی می‌شود که سوددهی در بخش کشاورزی کاهش یافته است. در دهه ۸۰ میلادی یکی از عوامل اصلی بحران اقتصادی کیبوتص‌ها همین مساله بود. بیشتر کارخانه‌های کیبوتص که در گذشته استفاده از تکنولوژی پیشرفته را آغاز کرده بودند، قادر به ادامه سرمایه‌گذاری نبودند و در بخش‌های اقتصادی که حوزه فعالیت آنها بود رو به تزلزل گذاشتند. از این‌رو کیبوتص‌ها ناگزیر بودند ساختار اقتصادی خود را تغییر دهند. اگر چه کیبوتص‌ها در گذشته این تغییر ساختار را انجام داده بودند و جلب توریست و فعالیت‌های بازرگانی را آغاز کرده بودند، ولی به فعالیت‌های جدیدی در حوزه اقتصاد برای غلبه بر مشکل اقتصادی که آینده کیبوتص را به مخاطره انداخته، روی آورده‌اند. پیشرفت در علوم انفورماتیک و کامپیوتر، معماری، ایجاد مؤسسات و دفاتر حقوقی از جمله این فعالیت‌های اقتصادی هستند. هدف عمده کیبوتص‌ها از ایجاد یک ساختار اقتصادی جدید، به وجود آوردن ساختار اقتصادی چندبعدی است که وابستگی به یک منبع عمده درآمدی نداشته باشد. ضمن اینکه بتواند زمینه‌های شغلی را برای جذب و تربیت اعضای جدید و جوان ایجاد کند.

مشکل دوم کیبوتص که اشاره شد حفظ و گسترش اصول و اجرای آرمان‌های ایدئولوژی کیبوتصیم است. با تغییرات به وجود آمده، رعایت این اصول بسیار سخت و مشکل می‌نماید. در واقع بحران ایدئولوژیک کیبوتص را می‌توان مربوط به شرایط زمانی دانست که در آن خودپرستی فردی و فرد - محوری در بین اعضای کیبوتص نسبت به نسل گذشته و خصوصا نسل مؤسس، بیشتر شده است.

### نتیجه‌گیری

تعاون و ایجاد اسکان‌های اشتراکی در اسرائیل زاینده شرایط و واقعیات فرهنگ اجتماعی مهاجرین و شرایط محیطی و اهداف صهیونیسم بود. تعاون در اسرائیل علاوه بر تامین احتیاجات

اولیه یهودیان چه پیش و چه پس از تاسیس دولت، عامل مهمی در ایجاد هویت جمعی و هویت ناشی از ایجاد هدف مشترک است. مهاجرینی که فرهنگ‌های محل سکونت‌شان را به همراه داشتند، اگر چه براساس آموزه‌های صهیونیسم، یک ملت واحد ولی پراکنده بودند، اما واقعیت غیر از این بود. مهاجرین به لحاظ مذهب یهود یکسان، و به لحاظ فرهنگی، ناهمگون و نامتجانس بودند. تعاون و اشتراک در فعالیت‌ها و تعریف هدف مشترک براساس تعاون، می‌توانست هویت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت را در کنار هم قرار دهد و آنها را نسبت به زندگی و آینده امیدوار سازد. تعاون ضمن انسجام بخشیدن به یهودیان، دغدغه‌های «تازه‌واردان» از جمله اسکان و اشتغال و امنیت را نیز تامین می‌کرد. لذا خدمات تعاونی تنها در چارچوب رفع نیازمندی‌های روزمره محدود نبود بلکه به‌عنوان ابزاری در جهت ارتقای اطلاعات و معلومات اجتماعی، سطح فرهنگ جامعه و تحکیم و تقویت توان مادی و معنوی عمل می‌کرد.

اگر چه تعاون شیوه‌ای طبیعی و عاقلانه برای رفع احتیاجات مهاجرین بود، اما نکته قابل توجه این است که تعاونی‌هایی که در ابتدا تشکیل شده بودند با موفقیت همراه نبودند، به طوری که اگر کمک‌های بارون روچیلد و سازمان‌های صهیونیستی نبود امکان موفقیت و توسعه آنها بسیار کم بود. به‌عنوان مثال تعاونی‌هایی که در سال ۱۹۰۶ میلادی به‌وجود آمدند، همگی از وام بانک فلسطین و انگلیس برخوردار بودند. حتی در مورد تعاونی‌هایی که در ابتدا شکل گرفته بودند می‌توان گفت که اگر کمک‌های روچیلد نبود، شکست آنها حتمی بود.

اسکان‌های اشتراکی کیبوتص و موشاو ضمن به‌وجود آوردن یک سیستم متمرکز اقتصادی، یک ساختار سیاسی متمرکز و داوطلبانه و وابسته به صهیونیسم را ایجاد کرده بودند. زمینی که در اختیار کیبوتص و موشاو قرار داده می‌شد، زمین ملی بود که از طرف سازمان جهانی صهیونیسم در اختیار آنها قرار می‌گرفت. ضمن اینکه کمک‌های سازمان جهان صهیونیسم به این اسکان‌ها باعث می‌شد که اعضا به صورت خودکار، عضوی از نهضت صهیونیسم شوند و در نتیجه ایدئولوژی صهیونیسم مورد پذیرش آنها قرار می‌گرفت. از این‌رو ایجاد یک سیستم سیاسی-اقتصادی متمرکز به رهبری سازمان جهانی صهیونیسم حکمفرما می‌شود که این میراث به رژیم اشغالگر اسرائیل نیز منتقل می‌شود.

## منابع و یادداشت‌ها:

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی اسرائیل*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۲. رحیمی، مارس (۱۳۴۳)، *مقررات اقتصاد اجتماعی در اسرائیل*، تهران: بانک بیمه بازرگانان.
۳. شاهنده، عباس (۱۳۳۳)، *سفری به اسرائیل*، تهران: انتشارات روزنامه سیاسی فرمان.
۴. سالکی، حسین (۱۳۴۲)، *نهضت تعاونی در اسرائیل*، تهران: چاپ اطلاعات.
۵. کونویونکی، موریس (۱۳۴۹)، *تعاون در روستاهای اسرائیل*، ترجمه: وحید ادبی، تهران: انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی.
6. Aharoni, Yair (1991), *The Israel Economy: Dreams and Realities*, London & New York: Routledge.
7. Ben- Artzi, Yossi (2002), "Kibbutz or Moshav? Priority Changes of Settlement Types in Israel, 1949-53," *Israel Affairs*, Autumn/ winter, vol. 8, No. 1&2.
8. Dan, Y. (1996), "The Importance of Behaving Altruistically, Altruism as an Efficiency Boosting Factor in the Kibbutz," *Journal of Rural Cooperation*, Vol. 24. No. 1.
9. Krausz, Ernest (ed.) (1983), *The Sociology of The kibbutz*, New Brunswick, N. J: Transaction Books.
10. Levi, Y. (1996), "Cooperation and the Issue of Embedeness," *Journal of Rural Cooperation*, Vol. 24.
11. Leviatan, U.H. & Oliver, J. Quarter (ed.) (1998), *Crisis in The Israeli Kibbutz: the Challenge of Changing Times*, Westport (U. S. A) : Prager.
12. Rosner, Manham, Organization, Sociology, Theories of Alienation, Social Change, Research, haifa. ac. il/kibbutz/main. html .
13. Rosner, M. (1993), "Organizations Between Community and Market, The Case of the Kibbutz," *Economic and Industrial Democracy*, Vol. 14.
14. Rosner, M & S. Getz (1994), "Toward a Theory of Changes in the Kibbutz," *Journal of Rural Cooperation*, Vol. 22, No. 1-2.
15. Rosolio, D. (1994), "The Kibbutz Movement and the Way It Functions as a Cause of the Kibbutz Crisis," *Journal of Rural Cooperation*, Vol. 22, No. 1-2.
16. www. Kibbutz. net/-2k-25Feb 2005 .